

پیام دو

تجربه توزیع الهی تثلیث الهی توسط زیستن در رابطه عاشقانه الهی

مطالعه متون مقدس: افسسیان ۳: ۱۴-۱۹؛

غزل غزلها ۱: ۲-۳؛ ۳: ۶؛ ۴: ۷، ۱۵؛ ۶: ۴؛ ۸: ۶-۷؛ مکاشفه ۱۹: ۷؛ ۲۱: ۲

۱. کتاب مقدس، به خالص ترین و مقدس ترین معنا، داستان عاشقانه یک زوج عالمی است - خدا در مسیح به عنوان داماد و مردم بازخرید شده خدا به عنوان عروس - یوحنا ۳: ۲۹؛ متی ۲۵: ۶؛ مکاشفه ۱۹: ۷؛ ۲۱: ۲؛ ۲۲: ۱۷؛

آ. در طول قرن‌ها، خدا با انسان رابطه ای عاشقانه داشته است؛ او انسان را با مقصود داشتن یک همتا آفرید - آ. ۱۷.

ب. خدا عاشق است و انسان را به صورت خود به عنوان عاشق آفرید؛ این یعنی او انسان را آفرید تا انسان عاشق او باشد - مرقس ۱۲: ۳۰؛ افسسیان ۳: ۱۴-۱۹.

پ. کل کتاب مقدس یک داستان عاشقانه الهی است، و غزل غزلها مختصری از این داستان عاشقانه است - ۱: ۲-۳؛ ۸: ۱۴؛

۱. کتاب مقدس یک کتاب عاشقانه است، و رابطه ما با خداوند باید بیشتر و بیشتر عاشقانه شود - غزل غزلها ۴: ۷.

۲. اگر رابطه عاشقانه ای بین ما و خداوند عیسی وجود نداشته باشد، پس ما مسیحانی مذهبی هستیم، نه مسیحیان عاشقانه - ۱: ۲-۳.

۳. به طور کلی، کتاب مقدس کلام نامزدی الهی است؛ در کتاب مقدس می بینیم که خدا جویای عشق ما است - ۲ قرن‌تیا ۱۱: ۲.

ت. اگر بخواهیم کلام نامزدی خدا را حفظ کنیم، به عشقی پاسخگو و عاطفی نسبت به او نیاز داریم؛ این نوع عشق پاسخگو و عاطفی در غزل غزلها، جایی که تصویری از عشق بین محبوب و عشق او را داریم، نشان داده شده است - ۱: ۲-۴؛ ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۴-۱۵؛ یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛

۱. موضوع غزل غزلها، تاریخچه عشق در یک ازدواج عالی بوده، تجربه پیشرونده مشارکت محبت آمیز یک ایماندار با مسیح را آشکار می کند - ۱: ۲.

۲. غزل غزلها یک تصویر شگرف و روشن، به شکل شاعرانه، از عشق عروسی بین مسیح به عنوان داماد و عاشقان او به عنوان عروسش است - ۲: ۴؛ ۳: ۶؛ ۷: ۱۱-۱۲؛ ۸: ۵-۶، ۱۴.

۲. ما در غزل غزلها رابطه بین تجربه توزیع الهی و زیستن در رابطه عاشقانه الهی را می بینیم:

آ. اگر واقعاً خداوند را دوست داشته باشیم، به یقین رشد و دگرگونی در حیات را خواهیم داشت - ۲ قرن‌تیا ۱۴: ۵-۱۵؛ ۳: ۱۸.

ب. چون جوینده در غزل غزلها محبوب خود را بسیار دوست دارد، توزیع الهی را تجربه می کند، و در رشد او در حیات تغییری مداوم وجود دارد - ۱: ۲-۳، ۴، ۹، ۱۲، ۱۵؛ ۲: ۲، ۱۴؛ ۳: ۶-۷؛ ۴: ۷، ۱۵-۱۲؛ ۶: ۴، ۱۰، ۱۳. آ.

پ. هر کس هر چه را که دوست دارد، تمام قلبش، حتی تمام وجودش، بر آن نهاده و با آن اشغال و تصرف شده است - ۱ تیموتائوس ۶: ۱۰-۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۲-۴؛ ۴: ۸، ۱۰؛ تیتوس ۱: ۸؛

۱. «عاشق خدا بودن به این معناست که تمام وجودمان - روح، روان، و بدن را با دل، جان، ذهن و قوت (مرقس ۱۲: ۳۰) - به طور مطلق بر او قرار دهیم، یعنی اجازه دهیم تمام وجودمان با او اشغال و در او گم شود، تا او همه چیز برای ما شده و ما عملاً در زندگی روزانه خود با او یکی شویم» (زیرنویس ۳ در ۱ قرن‌تیا ۲: ۹).

۲. دوست داشتن خداوند عیسی، قدردانی از او، هدایت وجودمان به سوی او، باز بودن به او،

جایگاه نخست را به او دادن، یک بودن با او، برای زیستن او، و تبدیل شدن به او است - متی ۲۶: ۱۳-۶؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۶؛ مرقس ۱۲: ۳۰؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷؛ فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۰؛ سرود شماره ۴۷۷، بیت ۲.

۳. **تِرْصَه و اورشلیم دلالت دارند بر قدس خدا، محل سکونت خدا، با شهر مقدس خدا که آن را احاطه کرده تا حفاظ آن باشد - غزل غزلها ۶: ۴:**

آ. وقتی که محبوبهٔ مسیح با خدا یک می شود تا محل سکونت خدا باشد، به چشم خدا او همچون تِرْصَه زیبا و چون اورشلیم دلربا است.

ب. محبوبهٔ مسیح از طریق زیستن در صعود مسیح در رستاخیز، در غنای حیات مسیح بالغ می شود به طوری که تبدیل به بنای خدا، قدس خدا و محافظ آن، می شود - ر.ک. پیدایش ۲: ۸-۱۲، ۲۴-۱۸؛ ۱ قرنتیان ۳: ۹-۱۲.

پ. محبوبهٔ مسیح در قدس الاقداس، در حجلهٔ درونی قدس آسمانی زندگی کرده، درون حجاب، صعود مسیح را از طریق صلیب پس از تجربه اش از رستاخیز او، تجربه می کند - غزل غزلها ۴: ۸.

ت. توسط دوست داشتن خداوند با بهترین عشق، ما به درون خدای سه یکتا می پیوندیم تا تبدیل به محل سکونت او شویم - مکاشفه ۲: ۴؛ یوحنا ۱۴: ۲۰-۲۱، ۲۳؛ افسسیان ۳: ۱۷:

۱. این عشق در خداوند است که به او اشتیاق اتحاد، آمیختن و پیوستگی با ما را می دهد، و همین عشق در ماست که شوق اتحاد، آمیختن و پیوستگی با او را به ما می دهد - ۱ یوحنا ۴: ۱۹، ۸، ۱۶.

۲. توسط دوست داشتن خداوند با بهترین عشق و توسط شرکت کردن در هر جنبه از رابطهٔ عاشقانهٔ الهی، ما تبدیل به اورشلیم نو می شویم، که قدس الاقداس گسترش یافته است - غزل غزلها ۱: ۳-۲؛ ۲: ۱۴؛ ۴: ۸؛ ۶: ۴؛ مکاشفه ۲۱: ۹-۱۰.

ث. تبدیل شدن به قدس خدا، بنا شدن (مربوط به بنای بدن مسیح) در رشد حیات مسیح با غنای کاوش ناپذیرش تا بلوغ است - افسسیان ۴: ۱۲-۱۶:

۱. در عهد قدیم، بنای خدا با تِرْصَه و اورشلیم نمایان شده است؛ در عهد جدید، [بنای خدا] بدن ارگانیک مسیح است - افسسیان ۴: ۱۶.

۲. بنای بدن، ارگانیک است و به رشد و بلوغ ما در حیات بستگی دارد - آ. ۱۵.

۳. در نهایت، این بنای بدن ارگانیک مسیح، که همچنین همسر مسیح است (۵: ۳۲-۲۵)، اورشلیم نو، شهر مقدس به عنوان تکامل قدس الاقداس، مسکن متقابل خدا و بازخیرشدگان او در ابدیت را تکمیل می کند - مکاشفه ۲۱: ۲-۳، ۱۶، ۲۲.

۴. **در بلوغ حیات مسیح، محبوبهٔ مسیح تبدیل به شولمیت شده، نشان می دهد که او تبدیل به بازتولید و تکثیر مسیح شده است تا برای ازدواج آنها مطابق او باشد - غزل غزلها ۶: ۱۳:**

آ. کتاب مقدس مکرراً به ما می گوید که قصد خدا این است که خود را با ما یک کند و ما را با او یک نماید - یکسان در حیات و طبیعت ولی نه در هستی خدا - مکاشفه ۲۱: ۲؛ ۲۲: ۱۷.

ب. با در نظر گرفتن چگونگی رسیدن به قلهٔ بلند مکاشفهٔ الهی - تبدیل شدن خدا به انسان تا انسان را در حیات و طبیعت تبدیل به خدا کند - ما نباید به خودمان اعتماد کنیم بلکه به خداوند به عنوان عشق، قدرت و رحمت تکیه کنیم تا ما را ظروف رحمت، افتخار و جلال نماید - غزل غزلها ۸: ۵-۶.